

شناسایی و رتبه بندی موانع اجرای برنامه استراتژیک در شرکت اصفهان چالاک

سیدرضا حسینی^۱

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاداسلامی دولت آباد

چکیده

سازمانها همواره در تلاش اند تا با خلق ، برنامه ریزی و اجرای استراتژی های گوناگون به کاراترین و اثربخش ترین وجه ممکن عمل کرده و با کسب رضایت ذینفعان اهداف سازمانی را محقق سازند . در مسیر تبدیل تفکرات استراتژیک به برنامه های استراتژیک و سپس اجرای آن استراتژی ها همواره موانعی وجود خواهند داشت که قادرند یک برنامه استراتژی که به خوبی تدوین شده را به کلی نابود کنند. هدف این پژوهش شناسایی و رتبه بندی موانع اجرای برنامه راهبردی در شرکت اصفهان چالاک می باشد. روش این تحقیق بر اساس هدف، کاربردی است. از حیث روش به دلیل اینکه شرایط با پدیده ها را توصیف می کند تحقیق توصیفی است. جامعه آماری ۴۴۰ نفر از مدیران شرکت اصفهان چالاک می باشند. که براساس جدول مورگان ۲۰۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته موانع استراتژیک می باشد. که روایی پرسشنامه توسط متخصصین و پایایی پرسشنامه به کمک ضریب آلفا کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۴ تأیید شد برای بررسی فرضیات تحقیق از آزمون t استیودنت و روش تاپسیس استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که محدودیت های سیستمی و مدیریتی، محدودیت های ساختاری و فرهنگی، محدودیت های منابع، محدودیت های برنامه ریزی از موانع بکارگیری برنامه راهبردی در شرکت اصفهان چالاک می باشند. و محدودیت های موانع بالاترین رتبه و محدودیت های برنامه ریزی پایینترین رتبه دارند.

واژه های کلیدی

موانع، برنامه، برنامه استراتژیک، شرکت اصفهان چالاک

مقدمه

شرایط به شدت متغیر محیط و رقابت های فزاینده میان شرکت های بزرگ و کوچک در فضای کنونی کسب و کار جهان، مدیران را وادار می کند تا هر روز تصمیمات مدیریتی جدیدی اتخاذ کنند. این تصمیمات گاهی مواقع تصمیمات قبلی را چنان نقض می کند که اجرایی شدن تصمیمات جدید نیازمند تغییرات عمده در سازمان است. این تغییرات می توانند گسترده وسیعی را دربر گیرند، تجدید ساختار، فرهنگ سازی، برنامه های عملیاتی نو و به کارگیری نیروی انسانی جدید از جمله این تغییرات هستند، اما به تناسب تغییراتی که در سطح راهبردی در تصمیمات مدیران رخ می دهد، سازمان ها

عموما توان تغییر و تطابق لازم را ندارند، لذا مشکلات بسیاری در اجرای این تصمیمات پیش روی مجریان تصمیمات راهبردی قرار می گیرد(روغنی شرق و آهنگری، ۱۳۹۵). مدت ها از زمانی که بحث برنامه ریزی استراتژیک در سازمان های استراتژیک مطرح شده است می گذرد و مدیران بسیاری از واحدها راه حل مشکلات خود را روی آوری به بحث برنامه ریزی استراتژیک می دانند. پس از روی آوری به برنامه ریزی استراتژیک و سرمایه گذاری در اجرای آن برای یک دوره زمانی، اولین موضوعی که ذهنها را به خود مشغول می کند بحث موفقیت یا عدم موفقیت برنامه ریزی استراتژیک است. احساس عمومی در بسیاری واحدهای اجرا کننده این برنامه ها مبتنی بر ناکارآمد بودن آن برای حل مشکلات واحدهای صنعتی کشور است. این درحالی است که امروزه در دنیا بسیاری از شرکت های معروف و موفق روی این بحث سرمایه گذاری های وسیعی کرده اند .(موران^۱، ۲۰۱۶)

براساس مطالعه ای که توسط نشریه معتبر فورچون به عمل آمده است، اکثر شرکت های بزرگ دنیا در دستیابی به اهداف استراتژیک خود با شکست مواجه شده اند(فلپس^۲ وهمکاران، ۲۰۱۶). در ایران نیز سازمان های متعددی روشها و ابزار برنامه ریزی استراتژیک را بکار گرفته اند ولی اغلب نتوانسته اند به عوامل مزیت بخش رقابتی دست یابند. آمارها نشان می دهد ۹۰٪ شرکت های بزرگ دنیا در دستیابی به اهداف استراتژیک خود ناکامند، که از این میان ۳۰٪ در مرحله تدوین و ۷۰٪ در مرحله اجرا ناموفق بوده اند. امروزه یکی از چالش های پیش روی مدیران سازمان ها، تدوین درست استراتژی ها و اجرای صحیح آن ها می باشد. متأسفانه موانع متعددی، اجرای استراتژی ها را با مشکل روبه رو کرده است. شناخت این تنگناها جهت دستیابی به سازمان های موفق که به توسعه، اصول اخلاقی و شهرت سازمانی می اندیشند، ضروری به نظر می رسد. از دیگر سو، فقدان ساختار سازمانی مناسب، تشریک مساعی غیر اثربخش، تخصیص نادرست منابع و نیز سیستم کنترل، پاداش و انگیزش نامناسب از موانع سازمانی پیاپی استراتژی ها است (رحیم نیا وهمکاران، ۱۳۹۳).

در عرصه بسیار پیچیده فعالیت های امروز سازمان ها، تعدد عوامل تأثیر گذار، سرعت تغییر و تحولات، علاقه مندی سازمان ها به کسب موفقیت و بقای بلند مدت، برنامه ریزی استراتژیک و مدیریت

¹ Moran

² Phelps